

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل کد اخلاقی اهیسا در آیین بودا

کج مجتبی نوری کوهبنانی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mojtaba.nori.k65@gmail.com  orcid.org/0000-0001-5515-8620

ghalebahman@iki.ac.ir

سیداکبر حسینی قلعه بهمن / دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده

می توان ادعا کرد که اخلاق رکنی اساسی و پایه مشترک فطرت تمام انسان هاست؛ از این رو زبان مشترکی برای گفت و گو و مقایسه بین ظرفیت های مختلف ادیان محسوب می شود که تحت عنوان نظام اخلاقی مورد بررسی قرار می گیرد. این نظام اخلاقی دارای اجزا و عناصری است که کدهای اخلاقی اصلی ترین آن است. کد اخلاقی اهیسا یکی از مهم ترین دستورها در نظام اخلاقی آیین بوداست. طبق این اصل، انسان باید از آسیب رساندن به موجودات جاندار اجتناب کند و اگر چنین چیزی محقق نشود، گرفتار کرمه بدی خواهد شد که طبق اعتقاد به تناسخ، در زندگی بعدی او اثر منفی خواهد داشت. می توان گفت که مهم ترین اثر این کد اخلاقی، صلح در جهان است که به عنوان یک اصل در جهان برای انسان ها شناخته می شود. در این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی کد اخلاقی اهیسا با بهره گیری از منابع دینی آنان تبیین شده، در ادامه لوازم و تعارض و راه حل های آن بیان می گردد.

کلیدواژه ها: اهیسا، بودا، اصل اخلاقی، قاعده اخلاقی، کد اخلاقی.

انسان فطرتاً به‌گونه‌ای خلق شده است که در نظر او آسیب رساندن به دیگران مذموم است. در نتیجه ادیان مختلف با عنایت به این موضوع، مواضع مختلفی در این باب داشته‌اند: برخی جانب افراط و برخی جانب تفریط را در پیش گرفته‌اند و ادیان الهی در پرتو دستور خداوند یکتا، جانب اعتدال را برگزیده‌اند. یکی از راه‌های بررسی این موضوع، کاوش در بعد اخلاقی به‌روش کدنویسی است؛ لذا این تحقیق به‌دنبال تبیین کد اخلاقی «اهیمسا» در آیین بوداست. کد اخلاقی نسخه‌ی اجرایی یک آموزه‌ی اخلاقی است. شاید در آغاز به‌نظر آسان برسد، لکن با اندکی توجه پیچیدگی آن در عمل نمایان شده، مراعات آن بفرنج می‌شود. در راستای کدنویسی اخلاقی می‌توان به آثار مختلفی که درباره‌ی آیین بودا نوشته شده است، مراجعه کرد که از بین آنها به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. کتاب *حکمت بودیسم* (هامفریس، ۱۹۸۷)، به ابعاد مختلف زندگی بودایی اشاره دارد و بیان می‌کند که جزء اصلی همه‌ی اعمال بوداییان، شفقت و رحمت نسبت به همه‌ی موجودات است.
۲. کتاب *زندگی بودا* (سادیتسا، ۱۹۷۶)، و همچنین کتاب *بودا* (یاسپرس، ۱۳۶۴)، به زندگی و تعالیم بودا پرداخته‌اند و می‌شود از لابه‌لای مطالب این دو کتاب برای موضوع مورد بحث نکاتی را دریافت.
۳. *اخلاق در شش دین جهان* (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳)، که در برخی موارد، از جمله چالش‌ها و راهکارها می‌توان از این کتاب بهره برد.

در آثار موجود، اثری که مستقلاً به این موضوع پرداخته شده باشد، یافت نشد و فقط می‌توان آثاری که تعالیم بودا را بیان کرده‌اند، مورد واکاوی قرار داد و از تعالیم آن در مورد کد اخلاقی اهیمسا، مطالبی را استخراج کرد.

۱. تعریف واژگان

۱-۱. اهیمسا

کلمه‌ی Ahimsa از ریشه‌ی سانسکریت hims به‌معنای «ضربه زدن» گرفته شده است؛ درحالی‌که a-himsā به‌واسطه‌ی حرف نفی a در زبان سانسکریت، برعکس آن و به‌معنای عدم آسیب رساندن یا عدم آزار و خشونت است (گواهی، ۱۳۹۰، ص ۱۷؛ پانی‌پتی، ۱۳۶۰، ص ۴۹۸).

۱-۲. کد اخلاقی، اصل، قاعده

کد اخلاقی در ادبیات اخلاقی سه معنا دارد: الف) نظام اخلاقی؛ ب) اصول و قواعد اخلاقی؛ ج) آیین‌نامه‌ی اجرایی اصول و قواعد اخلاقی. نظام اخلاقی سیستمی است که بر مریدان خود حاکم می‌شود و سلوک آنان را در پیوندهای چهارگانه (رابطه‌ی انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت) در جهتی مخصوص راهنمایی می‌کند و انتظام می‌بخشد. اصول و قواعد اخلاقی شامل حسن و قبح یا باید و نبایدهای اخلاقی‌اند که برای نظم‌دهی کردار انسان‌ها در نظام اخلاقی جاسازی شده‌اند. در این میان، مواردی را که در کشمکش‌های اخلاقی استثنایزیر نیستند و همیشه جریان

دارند، «اصول اخلاقی» گویند و مواردی را که در معارضه با اصول و قواعد بااهمیت استثنای پذیرند، «قواعد اخلاقی» می‌گویند؛ اما «کد اخلاقی» به معنای سوم دارای اجزا و ارکانی است که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود؛ از جمله: پیشینه آن اصل یا قاعده، منشأ صدور، اصل یا قاعده بودن، و موارد دیگر (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۶).

۱-۳. عامل اخلاقی

«عامل اخلاقی» موجودی است که عالم به فعل در حال انجام باشد و قدرت تشخیص بین خوب و بد را نسبت به فعل در حال انجام داشته باشد (نوری کوهبنانی، ۱۳۹۹). پس اخلاق، تمییزدهنده خوبی از بدی است. باید توجه داشت که بودیسم تفاسیر مختلفی از خوب و بد ارائه کرده است. پس برای تشخیص عامل اخلاقی از منظر بودیسم، ضرورت دارد معنای خوب و بد را بررسی کنیم تا در پرتو شناخت خوب و بد، عامل اخلاقی شناخته شود. اندیشه و نیت عمل، نقش مهمی در ارزیابی عمل دارد. در بودیسم، عمل یا «کاما»، تنها به عمل ارادی ای گفته می‌شود که توان پدید آوردن نتایج کارمایی را داشته باشد. تمام اعمال ارادی صادر از پیکر انسان را، اعم از اینکه لسانی باشند یا عقلی، می‌توان براساس اصول روان‌شناختی آن، به خوب (kusala) و بد (akusala) تقسیم کرد. عمل خوب به آن دسته از اعمالی گفته می‌شود که از تنفر، حرص و توهم به دور باشند؛ و برعکس، آن اعمالی که در حرص، تنفر و توهم ریشه داشته باشند، عمل بد گفته می‌شود. براساس این تفسیر، قوه فکری فرد نقش بسزایی در جداسازی خوب از بد دارد (سوماناسیری، ۱۳۸۳، ص ۵۹). تفسیر دیگر این است که از روی نتیجه اعمال فرد می‌توان خوب و بد را تشخیص داد. اگر حاصل رفتاری، به عامل و دیگران زبانی برساند یا موجب توبه در زندگی بعدی نشود، آن عمل خوب است؛ و برعکس، اگر زبانی برساند و موجب توبه عامل در این زندگی و زندگی بعدی شود، بد است. بودا به راه‌ولا راه تشخیص خوب از بد را نشان می‌دهد. شخص، قبل از انجام عملی، از سه راه چشم، زبان و اندیشه باید پیوسته درباره نتیجه بالقوه رفتارش تأمل کند. در این راستا برای تشخیص خوبی یا بدی یک عمل، چهار معیار بیان شده است:

۱. اگر فعلی باعث شادی خود و ناخشنودی دیگران شود، باید به‌عنوان عمل بد از آن دوری کرد؛

۲. اگر فعلی موجب ناراحتی خود و خوشحالی دیگران شود، همچنین باید به‌عنوان عمل بد از آن دوری کرد؛

۳. اگر فعلی موجب ناخشنودی خود و دیگران شود، باید به‌عنوان عمل بد از آن احتراز کرد؛

۴. اگر فعلی موجب شادی خود و دیگران شود، باید به‌عنوان عمل خوب آن را انجام داد.

براین اساس انجام اعمالی که دارای نتیجه خوب برای خود و دیگران باشند، خوب است؛ و باید از اعمالی که دارای نتیجه بد برای عامل یا دیگران است، پرهیز کرد (همان، ص ۶۰). با این توضیحات روشن می‌شود که عامل اخلاقی از منظر بودا، رابطه‌ای با سن خاص ندارد و ملاک در عامل اخلاقی بودن، درک خوب و بد از هم است، که بیان آن گذشت. پس، از منظر آیین بودا، «عامل اخلاقی» کسی است که خوب و بد را از هم تشخیص دهد.

۱-۴. جاندار

جزء اصلی همهٔ اعمال بوداییان، پرورش قلبی آکنده از شفقت و رحمت نسبت به همهٔ موجودات است (هامفریس، ۱۹۸۷، ص ۸۹-۹۰) و این محبت از قلمرو انسان فراتر می‌رود و همهٔ موجودات را دربر می‌گیرد (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲-۱۷۳). صفات شخص آرمانی، در فهرستی از شش یا ده پارامیتا (paramita) یا کمال، خلاصه شده که صفت نهم آن «شفقت» است (metta)؛ یعنی مهربانی و رحم نسبت به همهٔ موجودات (همان، ص ۱۴۶). در آیین بودا، رفتار اخلاقی در دایرهٔ «سیلا» (sila) قرار می‌گیرد که برای دستیابی به هدف غایی، به منزلهٔ یک قانون و انضباطی ضروری است. یکی از این اعمال که باید از آن پرهیز کرد، «کشتن» است (سوماناسیری، ۱۳۸۳، ص ۶۳). از این رو برای بوداییان، نحوهٔ امرار معاش مهم است و هر شغلی که مستلزم حرکت در خلاف جهت اصول باشد، مانند صدمه زدن و... نامناسب و خطاست. از نظر بوداییان سنتی، فهرست حرف بد عبارت است از: خرید و فروش سلاح، خرید و فروش برده یا هر موجود زنده و...؛ چراکه برای یک زندگی روبه‌اشراق نامناسب خواهد بود (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۹؛ سوماناسیری، ۱۳۸۳، ص ۶۹؛ سوری، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶). در نتیجه، حفظ جان هر جانداری از منظر آیین بودا لازم است؛ لذا کسی که با موجودات زنده بد رفتاری کند، نجیب نیست. آن کس که به همهٔ آفریدگان شفقت روا دارد، شایستهٔ آن است که وی را نجیب بنامیم (سادهاتیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶). از این رو از ثمرهٔ دست یافتن به دلسوزی بی‌کراں آن است که به همهٔ موجودات شفقت کامل و دلسوزی ورزیده شود. از طریق به کمال رساندن مهر و دوستی است که یک بودایی هیچ موجودی را حقیر نمی‌شمارد (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۵-۳۰۶). دالای لاما تذکر می‌دهد که «بودی‌ستوه» - یعنی دلسوزی و عشقی که قلب اشراق است - تنها با توجه به رفاه فردی صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه رفاه همهٔ موجودات مُدرک را می‌طلبد. این امر نیازمند درک عمیقی از ارتباط ما با دیگران و آن چیزی است که دوست داشتن همهٔ حیات معنا می‌دهد (همان، ص ۲۳۹-۲۴۰). بودا چهار طریقی را که موجب خوشبختی مؤمنان غیر راهب پس از این جهان خواهد بود، برمی‌شمارد که یکی از آن چهار مورد این است که باید از نابود کردن موجودات جاندار یا آسیب رساندن به آنها و آزار دادنشان بپرهیزید (سادهاتیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵). در اینجا باید دید که از منظر آیین بودا، جاندار به چه چیزی گفته می‌شود؟ آیا علاوه بر انسان، شامل حیوانات هم می‌شود یا علاوه بر حیوانات، گیاهان را نیز دربرمی‌گیرد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت: دوستی، علاوه بر انسان، به همهٔ موجودات زنده تعمیم می‌یابد؛ مثل دوستی نسبت به درخت، که انسان را در مقابل باران و خورشید حفظ می‌کند (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). هر پیرو بودا باید هر چند سال یک‌بار درختی را بنشانند و از آن مراقبت کند تا ریشه‌ای مطمئن بیابد (همان، ص ۲۰۲-۲۰۳). لازم به ذکر است که یکی از آموزه‌های بودایی، اصل تساوی موجودات است

(سوماناسیری، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲). در زمان بودا، خوردن گوشت ممنوع نبود؛ ولی اعضای سانگا (انجمن بودایی) اجازه نداشتند حیوانی را برای خوراک بکشند یا حتی پرورش دهند؛ زیرا مستلزم گرفتن جان بود؛ اما مجاز بودند گوشتی را که مردان خانواده به آنها می‌دادند، بخورند؛ مشروط بر آنکه مشخصاً برای آنها کشته نشده و تنها مازاد مصرف مردان خانواده باشد. مردم تبت دقت داشتند که اصل نگرفتن جان را رعایت کنند و کوشیدند کمترین تعداد حیوانات لازم را برای تغذیه مردم بکشند؛ مثلاً یک گاو میش، در مقایسه با یک جوجه، مردم بیشتری را تغذیه می‌کرد (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳). بنابراین اگر بنا بود که حیوانی برای تغذیه کشته شود، گاو بر جوجه مقدم بود.

در سوره دَمَبِکَه (۲۵) چنین آمده است: «باشد که او هیچ زنده‌ای را بی‌جان نکند» (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). پشه‌ها نیز همانند ما، پدر و مادر، فرزندان و خانه و زندگی دارند. همه موجودات - حشرات و مارها، ماهی‌ها و طیور، همانند انسان‌ها - دارای حق حیات و شادی‌اند؛ هیچ‌یک از ما محق نیستیم در مورد سرنوشت دیگری داوری کنیم. زندگی پیشکش است (اسلینگ، ۱۹۹۱، ص ۶۷). در اینجا لازم است بیان شود که از منظر بوداییان تراوادا، کشتن همیشه نادرست است و تبعات کارمایی بدی دارد؛ اما بوداییان ماهایانه می‌گویند: اگر انگیزه قتل، محافظت از دیگر موجودات مُدرک باشد و اگر این کار بدون هیچ‌گونه خودخواهی و با پذیرش همه تبعات بد کارمایی آن باشد، عمل نادرستی نیست و نمی‌تواند کارمای بدی را باعث شود (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶).

در کل باید دانست، یکی از مَه‌یهائی که راهبان وظیفه دارند از آن اجتناب کنند، این است که هیچ موجود زنده‌ای را نباید بکشند. علاوه بر این، نباید بگذارند کسی چنین کند (سادها‌تیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). بودا این سؤال را مطرح می‌کند که «چگونه درست‌کاری نصیب یک نفر راهب می‌شود؟» و شخصاً به این سؤال پاسخ می‌دهد: یک فرد راهب از کشتن موجودات زنده اجتناب می‌کند؛ او از هلاک ساختن موجودات زنده خودداری می‌کند؛ او چوب‌دستی را به زمین می‌نهد و اسلحه را به‌دور می‌افکند؛ او مهربان و رحیم است؛ او خیر و سعادت هر موجود زنده‌ای را دوستانه طالب است و این بخشی از درست‌کاری اوست. اندیشه بودایی برای زندگی موجودات، حتی ناچیزترین حیوانات، احترامی فوق‌العاده قائل است. این احترام، موجب صدور دستورهای بسیاری برای زندگی روزانه راهبان شده است؛ مثلاً راهبان نباید آبی را که آثار حیات حیوانی در آن مشهود باشد، بنوشند یا بریزند (الدنبرگ، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲). همه ما را، چه انسان و چه جانوار، قید درد و رنج به‌هم پیوند می‌دهد. در نتیجه، بر ماست که بر همه جانداران ترحم روا داریم. کشتن جانداران به هر دستاویزی، گناه است (سادها‌تیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳).

۱-۵. آسیب زدن

در آیین بودا، همان‌طور که دوستی با همه موجودات زنده یک ارزش است و به دوستی با درخت هم توصیه شده، آسیب رساندن هم نهی شده است. در آیین بودا، تمام موجودات همانند انسان‌ها در درون خود یک فطرت بودایی یا «تنویر» دارند (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲)؛ یعنی باید تمام موجودات در یک چرخه

به حیات وارد شوند تا بالاخره به نیروانه برسند. موجودات، همه سزاوار یافتن ایمان بزرگ‌اند؛ زیرا آموخته‌اند که همه گوهر بودایی دارند. گوهر دل تمام موجودات پاک است و شهوات نمی‌توانند آن را بیالایند؛ به آسمان ماند که هرگز نمی‌تواند آلوده باشد (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۹). استحاله نفس، بر تعالی نفس دلالت دارد. بنابراین، استحاله درونی یک رویداد معنوی ناشی از علت و معلول کیهانی است که همه موجودات، اعم از جاندار و بی‌جان، و همه‌جا را دربر می‌گیرد (سوریا، ۱۳۷۹، ص ۵۹). دلیل بر این قاعده این است تمام موجودات در سرشت بودایی واحدند. به همین سبب است که به یک بودایی توصیه می‌شود درباره دست و پای معیوب صحبت نکند. ممکن است شما لطیفه‌ای بگویید که در حقیقت، ضعف و ناتوانی کسی را مشهود کند و این آزار دیگران است؛ حتی اگر به صورت لطیفه باشد. یک ضرب‌المثل تبتی می‌گوید: «از شپش‌های کوچک موی دیگری چشم بپوشید و به گاومیش پرسروصدایی که روی دماغتان است، توجه کنید» (همان، ص ۲۰۸). پس اگر به دیگران صدمه بزنیم، خود را مجروح کرده‌ایم (همان، ص ۲۳۳). هر هروی که دانسته انسانی را از زندگی بی‌بهره کند، خود اگر سقط جنین باشد، نه سمنه (بیابان گرد) است و نه شاگرد سکیه‌یی (سیدارته گوتمه)؛ مانند سنگی که دوتکه شده است و دیگر نمی‌تواند یکی شود. تو در سراسر زندگی‌ات نباید دست به چنین کاری بزنی (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰). لذا بوداییان می‌گویند: اگر بتوانیم بی‌آنکه حتی یک مورچه، عنکبوت یا حلزون کوچک را بکشیم، زندگی را بگذرانیم، معلوم است که از برخی عواقب منفی عمل ناپسند رسته‌ایم (سوریا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹). نکته‌ای که در اینجا لازم است بیان شود، این است که بودا به دلیل همین مسائل، قربانی کردن حیوانات را تقبیح کرده است (جلالی نایینی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۷)؛ پس بی‌آزاری را راه می‌خوانند، که گفته‌اند: «هررو از بی‌آزاری آزاد می‌شود» (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲)؛ و بیان می‌کنند که رفتار یاری‌رسان داشته باشیم، نه زیان‌رسان، که سرچشمه رهایی و آزادی است (سوریا، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶).

برخی از راهبان آگاه و مراقب در هند و آسیای جنوب‌شرقی برای جارو کردن حشرات و کرم‌ها از جاده‌ای که از آن می‌گذرند، از علف جارو استفاده می‌کنند. آنها این کار را نه از ترس گزیده شدن، بلکه به این دلیل انجام می‌دهند که صمیمانه می‌کوشند زندگی را دوست داشته باشند، خدمت کنند و مراعات نمایند. این رفتار مقدس‌مآبانه برای شروع تمرین بودایی واجب نیست؛ بلکه آرمانی است برای به حساب آوردن دیگران. عمل‌کنندگانی که به خوبی تحول یافته‌اند، می‌توانند بر طبق این عقیده عمل کنند که کوچک‌ترین حشره، موجودی گران‌بهاست و درجه‌ای از تلاش، آگاهی و عشق را همچون نیازهای رفتاری به ما یادآوری می‌کند. شاید به نظر برسد که پیروی از آموزه نکستن، بسیار ساده است؛ اما در حقیقت آن مشکلی نهفته است. برای مثال، اگر می‌گوییم «البته که نمی‌کشیم»، خیلی راحت فراموش کرده‌ام در ساعتی از شب که با سرعت اتومبیل می‌رانم، احتمال دارد ده‌ها یا حتی صدها شب‌پره و حشره را که جذب چراغ‌های اتومبیل می‌شوند، کشته باشم؛ اما می‌توانم بگویم که «عمداً آنها را نکشته‌ام»؛ از روی خشم و با خشونت این کار را نکرده‌ام؛ ماهی نگرفته و

شکار نرفته‌ام؛ اما گاهی گوشت خورده‌ام؛ کمر بند و کفش‌های چرمی پوشیده‌ام؛ تسبیح‌م از مهره‌های عاجی است و میلیون‌ها کرم ابریشم کوچک باید جان بدهند تا بتوانم پیراهن زرد لامای تبتی را بپوشم. در حقیقت، بسیار مشکل است که هیچ‌گاه موجودی را به‌قتل نرسانیم.

مواد مخدر هم مانع درک کامل واقعیت‌های جهان می‌شود و موجب تضعیف تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و فرهنگی می‌گردد و بنابراین به‌مثابه سمّ - در طبقه‌بندی معاش نادرست - قرار می‌گیرد؛ زیرا مستلزم صدمه زدن به خود و دیگران است (همان، ص ۱۶۶-۱۶۷). در یک نیایش سنتی چنین آمده است: امید است هرگز به هیچ‌چیز و هیچ‌کس، حتی به اندازه تار مویی، آسیب نرسانم (همان، ص ۲۹).

حال این سؤال به‌وجود می‌آید که به چه دلیلی بوداییان اهیمنسا را مطرح می‌کنند و به آن می‌پردازند؟ برای راهبان کیش بودا، تفکر در پنهان‌ترین امر و در کلیه اعمال و اقوال روزانه مقرون با خلوص و صفای کامل، ضرورت اساسی به‌شمار می‌رود. یکی از فرمان‌های ناشی از این ضرورت، هیچ جانور و جاننداری را نیاززدن (اهیمنسا) است (همان، ص ۲۶۱-۲۶۲).

باید توجه داشت که اهیمنسا فقط می‌تواند قسمتی از راه باشد؛ به‌جای فقط پرهیز از خشونت، طالب باید با همه‌چیز و همه‌کس آرام و مهربان رفتار کند؛ باید دل، مهر و غم‌خوارگی را در خود پیورود که با هر احساس بدخواهی که تازه پیدا شده است، مقابله کند (همان، ص ۸۳). از این‌رو بودائیت، غایت آزادی را به‌صورت نیاز محبت بارور کرد و محبت، راه و رسم آزادی شد. از بی‌آزاری باید قدم فراتر نهاد و به فداکاری رسید. در این راه، اگر لازم باشد، از آزادی نیز باید گذشت (کریشنا، بی‌تا، ص ۲۹).

۲. پیشینه کد اخلاقی اهیمنسا

ایده احترام به ahimsā، در متون متعارف هندو، جین و بودایی وجود دارد و این ممکن است در اندیشه‌های ودهایی برهمنی ریشه داشته باشد. به‌نظر می‌رسد که آرمان اهیمنسا از برهمنان به ورنه‌های (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۶۶۰) پایین‌تر رسیده و در سراسر جامعه گسترش یافته است. البته باید توجه داشت که ایزدان هندویی، نه شیوا و نه دو تجسم ویشنو (کریشنا و رامنا)، پرهیز از خشونت را تبلیغ نمی‌کنند؛ بلکه اندیشه پرهیز از خشونت، تنها در میان پیشوایان فرقه‌های عرفانی دوام آورده است (تاپار، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴۹). این ایده به منزلت پست کسانی منجر شد که وظایف کاستشان (دَرْمَه)، کشتن را هم شامل می‌شود؛ مثل قصابان و ماهیگیران. نزد کشتریه‌ها، میان این آرمان و وظیفه آنان در نگهداشت دولت به‌مثابه جنگاوران و فرمانروایان، تنش وجود داشت و به همین دلیل، اهیمنسا را در عمل کنار می‌گذاشتند؛ چون شاهان و قاضیان هندی به جنگ و مجازات‌های سخت یا عذاب قضایی متوسل می‌شدند (قرایی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹-۱۴۰)؛ اما اکنون آرمان همه هندوها را خودداری کامل از قهر و خشونت می‌دانند؛ و به این صورت، بیشتر، از تأثیر گاندی است که مفهوم اهیمنسا بر تفکر صلح‌طلبانه سراسر جهان تأثیر گذاشته است

(هینلز، ۱۳۸۵، ص ۹۸). آهیمنسا به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی، در متون ودهایی تکامل یافته و با گذشت زمان، مفهوم آن به‌طور فزاینده‌ای اصلاح شده است؛ تا اینکه اواخر دوره ودهایی (حدود پانصد سال قبل از میلاد) آهیمنسا به بالاترین فضیلت تبدیل گشته است. متن‌های مختلفی در مه‌بهاراته (Mahabharata) وجود دارد که بر اهمیت اصل آهیمنسا در آیین هندو تأکید دارد.

۳. منشأ صدور کد اخلاقی آهیمنسا

با توجه به اینکه این اصل، در آیین هندو ریشه و پیشینه داشته و در کتاب ودها وجود دارد، به‌روشنی می‌توان بیان کرد که منشأ صدور این کد اخلاقی، نقل است.

۴. کد اخلاقی آهیمنسا اصل است یا قاعده

با عنایت به اینکه کد اخلاقی آهیمنسا ریشه در آیین هندو دارد، ناگزیر از آیین هندو شروع به بیان می‌کنیم. در آیین هندو، آهیمنسا ابتدا به‌عنوان یک قاعده مطرح بود، نه اصل؛ چراکه در جای‌جای کتب مقدسشان نقل‌های متضادی به‌چشم می‌خورد که نشان می‌دهد این ایده نمی‌تواند اصل باشد. این ایده در گذر زمان، تا وقتی که به آیین بودا می‌رسد، تکامل می‌یابد و به یک اصل تبدیل می‌گردد؛ لذا به‌عنوان اصلی از اصول پنج‌گانه آیین بودا شناخته می‌شود. لذا در ابتدا قاعده بود و به‌مرور زمان در آیین بودا تبدیل به اصل شده است. البته باید توجه داشت که در آیین بودا، از آنجاکه قوانین کشور بر قوانین بودایی حاکم است، ممکن است این اصل نادیده گرفته شود؛ چنان‌که بیان خواهد شد. لذا این اصلی است که قابل تغییر است و شاید بتوان گفت یک قاعده‌ای است که در شرایط مختلف قابل تغییر است.

۵. مشوق‌های کد اخلاقی آهیمنسا

برای بیان مشوق‌ها، لازم و ضروری است که ابتدا به مباحثی اشاره و سپس به بیان مشوق‌ها پرداخته شود. سیدارته (نام بودا) با مطالعه آموزه‌های باستانی هند به‌دنبال پاسخی برای چرایی رنج و چگونگی پایان دادن به آن بود. طبق آیین هندو، پدیده سمساره یا تناسخ، ابدی است؛ اما در زمان سیدارته، آموزه‌های جدیدی که بعدها وارد اوپه‌نیشدها شد، شکل گرفت؛ از جمله مفهوم موکشه (نجات). آرمان موکشه، سیدارته را به کف نفس افراطی واداشت که نتیجه آن، شش سال مراقبه شدید بود؛ به‌گونه‌ای که بدنش لاغر و نحیف شده و نیروی جسمانی گذشته را از دست داده بود (پریش، ۲۰۰۶، ص ۶۹). با پشیمانی، از این راه بازگشت و در زیر درخت روشن‌شدگی (معرفت) نشست و در سن ۳۵ سالگی به روشن‌شدگی رسید و در این زمان بود که اعلام کرد «بودا» شده است (هامفریس، ۱۹۸۷، ص ۴۳؛ ساداتیسا، ۱۹۷۶، ص ۲۹). او نه راه افراط را معرفی کرد و نه زندگی در ناز و نعمت را؛ بلکه او راه میانه را برای رسیدن به نیروان معرفتی کرد؛ سپس بودا چهار حقیقت شریف و راه هشت‌گانه را تعلیم داد که قلب آیینش است (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۴۷).

چهار حقیقت جلیل بودا از علت و ریشه رنج می گوید (ساداتیسا، ۱۹۷۶، ص ۳۴) و راه های هشت گانه مجموعه ای از هشت مرحله یا گام است که به پایان دادن به دل بستگی می انجامد. مراحل نخست این راه، در زندگی هرروزه دست یافتنی است؛ اما مراحل بعدی نیازمند کوشش و یکدلی است (همان، ص ۳۶). زیست درست، یکی از این هشت راه است؛ یعنی باید جوری زندگی کند که هیچ جاننداری را نیازارد (هامفریس، ۱۹۸۷، ص ۶۵-۷۰) (اهیمنسا).

با عنایت به مطالب ذکر شده، اهیمنسا یکی از هشت راه رسیدن به عدم بازتولد است.

۵.۱. مشوق درونی

با توجه به مطالب یاد شده، می توان این گونه بیان کرد: یافتن چرایی رنج و پایانی بر آن، در روان انسان مشوقی درونی برای یک پیرو بودایی ایجاد می کند تا بتواند مراحل کمال خودش را طی کند.

۵.۲. مشوق بیرونی

با عنایت به گفته های یاد شده می توان به این صورت مشوق بیرونی را برای یک بودایی توضیح داد: رهایی از سمساره و رسیدن به نیروانه، یعنی فرونشاندن عطش تمایلات و گریز و آزادی از سلسله علل پیدایش ها و رنج جهانی و ساحل ممتاز و کمال مطلوبی که بر اثر طریق هشت گانه بودایی تحقق می پذیرد (شایگان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۵). از آنجا که غایت یک بودایی این است که به این مرحله برسد، این خود بزرگ ترین مشوق بیرونی برای یک پیرو بودایی خواهد بود.

۵.۳. مشوق دنیوی

با روشن شدن نکات مطرح شده، می توان رهایی از سمساره را یک مشوق بیرونی دنیوی برای یک بودایی در نظر گرفت؛ با این توضیح که یک بودایی تا اهیمنسا و باقی گام ها و رفتارها را رعایت نکند و از کرمه (پربیش، ۲۰۰۶، ص ۱۸) بد آن دوری نکند، در چرخه تولدهای مکرر خواهد بود و در نتیجه به کمال خودش که رسیدن به نیروانه باشد، ناائل نخواهد شد (ناردو، ۱۳۸۸، ص ۷۹)؛ لذا این امر سبب می شود تا مشوقی بیرونی و دنیوی باشد تا پیرو بودا اهیمنسا را رعایت کند.

۵.۴. پس از زندگی فعلی

با رعایت کردن اصول بودایی و انجام دستورات او، شخص بودایی پس از مرگش متوقع است که در زندگی بعدی وضع بهتری نسبت به زندگی پیشین برایش حاصل شود یا اینکه زندگی بعدی او رسیدن به نیروانه باشد و این خود بزرگ ترین عاملی است که یک پیرو بودایی می تواند با پیروی از آن به زندگی پس از مرگش امیدوار باشد و در پرتو انجام اصول بودایی به نیروانه برسد.

۵. مشوق قانونی

مشوق قانونی این است که یک بودایی نیز این قابلیت را دارد که به مقام بودایی برسد و همین امر سبب می‌شود قوانینی را که بودا وضع کرده است، با جان و دل بپذیرد و رعایت کند و این خود مشوقی است برای اینکه شخص بودایی دستورات را انجام دهد و به مرتبه بودا برسد.

۵.۶. مشوق عرفی

مشوق عرفی این است که شخص بودایی با انجام دستورات بودا نزد مردم مورد احترام قرار خواهد گرفت؛ همان‌طور که سیلارته مورد احترام پنج مرتاض قرار گرفت. البته مرتاض‌ها قرار گذاشته بودند که به او توجه نکنند؛ اما همین‌که سیلارته نزدیک شد، آنها تفاوت را در او مشاهده کردند. لذا این مشوق عرفی باعث می‌شود که یک پیرو بودا در انجام قوانین وضع‌شده از طرف بودا سخت‌کوشی داشته باشد و تمام و کمال آنها را انجام دهد.

۶. ضمانت‌های اجرایی کد اخلاقی اهی‌مسا

۶-۱. ضمانت اجرای درونی

هر انسانی فطرتاً طالب این است که به نیروانه برسد؛ چراکه فطرت او بودایی است (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲). حال اگر شخص بودایی به دستورات بودا بی‌توجه باشد و در انجام تکالیف او سستی کند یا انجام ندهد، از چرخه تولدهای مکرر رهایی نخواهد یافت و لذا در سمساره باقی خواهد ماند و در نتیجه به نیروانه نائل نخواهد شد (هامفریس، ۱۹۸۷، ص ۱۲۴). از این‌رو این امر، خود محرکی بزرگ در جهت انجام دستورات بودا خواهد بود و ضامنی درونی برای انجام قوانین بوداست.

۶-۲. ضمانت اجرای بیرونی

۶-۲-۱. ضمانت اجرای دنیوی

در صورت عدم انجام دستورات بودا، انسان در چرخه تناسخ و سمساره باقی خواهد ماند و در نتیجه به نیروانه که غایت یک بودایی است، نمی‌رسد؛ که در این صورت، از جمله بوداییان شمرده نخواهد شد و همین امر خود یک عامل بیرونی است تا تحت فشار این افکار، خود را ملزم به انجام دستورات کند.

۶-۲-۲. ضمانت اجرای پس از زندگی فعلی

از آنجاکه در آیین بودا خدای خالق وجود ندارد (ناردو، ۱۳۸۸، ص ۷۷)، لذا دارای شریعتی هم نیست؛ اما دستوراتی برای بهتر زندگی کردن و به اصطلاح به نیروانه رسیدن را توصیه می‌کند. از این‌رو در اینجا بحث درباره ضمانت اجرای اخروی مطرح نیست.

یک بودایی اگر به قوانینی که آیین بودا بیان کرده است، گردن نهد، در نتیجه آن، خروج از سمساره محقق نخواهد شد و رسیدن به نیروانه منتفی می‌شود و لذا باید در چرخه سمساره باقی بماند؛ در نتیجه برای

اینکه هرچه زودتر به نیروانه برسد، خود را ملزم به انجام دستورات بودا می‌کند. لازم به ذکر است که از منظر بوداییان، هیچ‌کس به نظریهٔ متافیزیکی به‌خاطر خود آن، علاقه‌مند نیست. دمه، که نظم یا الگوی بنیادین چیزهاست (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲)، می‌بایست جهت‌گیری عملی داشته باشد؛ مثلاً تقریباً همهٔ ایدئولوژی‌های رهروان جنگل‌نشین سعی داشتند از خشونت جامعهٔ نو کم کنند و اخلاق اهیمنسا را که از مهربانی و صمیمیت حمایت می‌کرد، ارتقا دهند (آرمسترانگ، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

۷. لوازم اجرای کد اخلاقی اهیمنسا

۷-۱. آموزش

داستان‌هایی نقل می‌شود که در آنها بودا/کودکان را از بی‌رحمی در قبال حیوانات برحذر می‌داشت. در یکی از این موارد، روزی به چند پسر برخورد که یک ماهی را در آب‌انبار تقریباً بی‌آب و خشکی انداخته بودند و با جست‌وخیزهای ناامیدانهٔ آن حیوان، خود را سرگرم می‌ساختند و تفریح می‌کردند. بار دیگر با پسرانی برخورد کرد که با چوب به یک مار حمله می‌کردند. بنا بر روایات، بودا/ از این فرصت‌ها سود می‌جست تا قانون‌علیت اخلاقی را توضیح دهد؛ یعنی این قانون که هر کسی به‌لحاظ اخلاقی مسئول پیامدهای اعمال خود، اعم از خوب و بد، می‌باشد؛ اما درعین‌حال، از آنجاکه او مردی واقع‌نگر و دارای درک روان‌شناختی انسانی بود، به‌نظر می‌رسد که به هوشمندی‌های طبیعی کودکان توجه داشت؛ درست به همان اندازه که پدر و مادرها و آموزگاران همیشه در کوشش خود برای بازداشتن کودکان و جوانان از جانورخویی نابخردانه توجه دارند. از همین‌رو از آنها می‌پرسید: آیا دوست دارید کسی با شما همین کار را بکند؟ (سادها‌تیسا، ۱۳۸۶، ص ۹۵) این برخورد بودا/ و بوداییان با این مسائل، سبب می‌شد تا پیروان بیش‌ازپیش با این کد اخلاقی آشنا شده، به انجام آن مصمم شوند. اگرچه این آموزش وجود داشت، اما در کنار این آموزش، به‌طورکلی بوداییان ترجیح می‌دهند که دربارهٔ هر موضوعی جزم‌اندیش نباشند. تعصب دربارهٔ هر نظری را، که گویی آنها مطلق است، خطا می‌شمارند. تصمیم‌گیری، با توجه به اصول، به وجدان فرد واگذار شده است (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). لذا آموزش صرفاً جنبهٔ توصیه‌ای خواهد داشت و اجباری در کار نیست؛ چراکه هر گزارهٔ مطلق را منکر هستند. بگذریم که خود این مطلب مشتمل بر تناقض است.

۷-۲. فعلیت بخشیدن به مشوق‌ها

برای بوداییان مهم است که به‌عنوان مردمی نوع‌دوست عمل کنند (همان، ص ۱۴۶)؛ از این‌رو یمه (خودداری)، طالب را از کشتن یا آزار مخلوقی دیگر منع می‌کند. کد اخلاقی اهیمنسا عزم مقاومت در برابر آرزو و رسیدن به وضوح ذهنی و جسمی مطلق را منعکس می‌کند که میان اکثر مرتاضان گنگ، مشترک است (آرمسترانگ، ۱۳۸۷، ص ۷۰). پیروان گوتمه همیشه بیدارند و ذهنشان همیشه شب و روز به بی‌آزاری شاد است (کریشنا،

بی‌تا، ص ۱۱۶). طبق این اصل اخلاقی بود که بوداییان از جنگ و خون‌ریزی اجتناب می‌کردند و هر حاکمیتی هم در جایی که بوداییان حضور داشتند، از این اصل غفلت نمی‌کردند و تصمیمات خود را در پرتو این اصل پایه‌ریزی می‌کردند؛ لذا همین امر سبب تشویق دولت‌ها و حکومت‌ها می‌شد تا در راستای عدم خشونت و آزار نرساندن به دیگران، از جنگ اجتناب کنند و صلح برقرار باشد.

۷-۳. فعلیت بخشیدن به ضمانت‌های اجرا

۷-۳-۱. دخالت مستقیم

بودا، نه تنها صلح و عدم خشونت را تعلیم می‌داد، بلکه در موقع منازعه میان ساکیاها و کلیاها، که نزدیک بود درگیر یک جنگ خونین شوند، شخصاً برای جلوگیری از جنگ به میدان رفت و در مورد حل اصل قضیه، که همانا تقسیم آب رود روهینی (Rohini) بود، مداخله کرد. همچنین سخنان او از حمله آجاتاساتو به قلمرو واجی جلوگیری کرد (سادهاتیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶). پس یکی از مواردی که می‌توان به‌عنوان فعلیت بخشیدن به ضمانت اجرا مطرح کرد، حضور فیزیکی شخص بودا در برخی مسائل بود. از این رو بودا، به پیروان خود توصیه می‌کرد که مگذارید دست به کشتن بزنند یا سبب کشته شدن جانداران شوند یا کشتن دیگران را تصدیق کنند؛ آنگاه او از آزار همه جانداران، هم آنها که نیرومندند و هم آنها که در جهان می‌لرزند، خویشتن‌داری می‌کرد (پاشایی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳). علت این کار بودا، را هم می‌توان اندیشه کارما دانست که به ما می‌آموزد: آنچه می‌کاری درو می‌کنی و درو می‌کنی آنچه می‌کاری. هیچ کردار، گفتار یا پنداری از نظر معنوی تلف نمی‌شود. هر نیت خوب، در مرحله‌ای از توالی طولانی تولدها و مرگ‌ها ثمره خوب دارد که موجب تنویر می‌شود. کارمای بد ممکن است موجب تولدی دوباره در دوزخ شود؛ اما هیچ‌یک از این حالات، همیشگی نیست (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲).

۸. بازخوردگیری

در بازخوردگیری از کد اخلاقی اهی‌مسا می‌توان به بررسی چالش‌های اجرای این کد پرداخت، که در ذیل به تفکیک به آنها اشاره خواهد شد.

۸-۱. اشکال مختلف چالش‌های اخلاقی

۸-۱-۱. چالش کد اخلاقی اهی‌مسا با کدهای خارج از حوزه اخلاق

(الف) تعارض حفظ جان در مقابل تهدید جان

از آنجاکه نخستین اصل، اهی‌مسا است، بوداییان آشکارا خشونت را تأیید نمی‌کنند. فرض کنید که تفنگداری وارد خانه‌ای شود و زندگی فرزندان صاحب‌خانه را تهدید کند. چه واکنشی باید از خود نشان دهند؟ اگر به تفنگدار صدمه وارد کنیم، با این اصل در تضاد است و اگر خواسته باشیم نسبت به کشتار بی‌تفاوت باشیم، باز هم با آموزه بودا مبنی بر اینکه از آسیب رساندن هم باید جلوگیری کرد، در تضاد است. در اینجا یک بودایی باید پاسخ دهد که چه کاری صورت خواهد داد.

ب) تعارض اصل خودداری از صدمه زدن با جلوگیری از بارداری

جلوگیری از بارداری به‌عنوان امری شایع در جوامع جهانی مطرح بوده و هست. تعارضی که در این مسئله وجود دارد، این است که طبق نظر یک بودایی، اصل بر این است که صدمه و آسیبی به کسی وارد نشود. حال باید بررسی شود که آیا جلوگیری از بارداری می‌تواند در نقطهٔ مقابل این اصل قرار گیرد یا خیر؟ این تصمیم مستلزم این بحث است که زندگی در چه زمانی شروع می‌شود یا اینکه آیا اسپرم یا تخمک بارورنشده یا بارورنشدهٔ قبل از جایگزینی در زهدان دارای حیات واقعی یا بالقوه است یا خیر؟ با توجه به اینکه اسپرم یا تخمک دارای حیات‌اند و مخلوط این دو با هم یک انسان را تشکیل خواهد داد، لذا جلوگیری از بارداری، و به‌عبارت‌دیگر، نابودی اسپرم یا تخمک، خلاف این اصل اخلاقی خواهد بود؛ که یک بودایی برای ارائهٔ راه‌حل، باید به این مسئله پاسخ دهد.

۲-۱. چالش کد اخلاقی اهیمنسا با یک کد اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، پزشکی**الف) تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با کد اجتماعی**

موضوع مرگ بی‌درد، موضوع مهمی است که با مراقبت از سالمندان، بیماران لاعلاج و مبتلایان به معلولیت‌های سخت، ارتباط پیدا می‌کند. باید توجه داشت که ازجمله اصول بودیسم، پذیرش این تعهد است که به هیچ موجود زنده‌ای صدمه نزنند. این اصل بدان معناست که اقدام به مرگ بی‌درد باید از نظر صدمهٔ جسمی و روحی به خود یا دیگران، با دقت بررسی شود. صدمه، به صرف گرفتن حیات فیزیکی محدود نمی‌شود؛ بلکه اعمال فشار روانی را نیز شامل است. به‌طورکلی، ممکن است سالمند - برای مثال - از اینکه به باری بر دوش خانواده یا بر کل جامعه تبدیل شود، نگران باشد (همان، ص ۱۷۷). علاوه بر اینکه اندیشهٔ قانون در جامعه، به‌عنوان یک نیروی مثبت و مقوم و نه‌فقط نیروی تحریمی و تنبیهی، طرح می‌شود. قانون می‌کوشد تا ارزش صدمه نزدن را با تحریم قتل و... حفظ کند. تعارض میان اصول و قوانین کشور محل زندگی (که اولی داوطلبانه پذیرفته می‌شود و تبعات آن بر پایهٔ انگیزه استوار است و بر مبنایی کارمایی عمل می‌کند و دومی در صورت سرپیچی از قوانین، تهدید به مجازات کرده است)، تنش‌هایی را موجب می‌شود (همان، ص ۱۷۹). پس یک گزاره وجود دارد به‌عنوان «مرگ بی‌درد» و گزارهٔ دیگر «اصل اهیمنسا»ست. به‌عبارت‌دیگر، این چالش زمانی حاصل می‌شود که یک بودایی در کشوری زندگی می‌کند که مرگ بی‌درد به‌عنوان قانون در حال اجراست و ازسوی دیگر از اصول یک بودایی، عدم آزار به دیگران است که باید دید در اینجا یک بودایی چه راهی را پیش خواهد گرفت.

ب) تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با کد امنیتی

تعارض قتل (اعدام) با گرفتن جان: بوداییان دربارهٔ مقتضی یا مفید بودن اعدام از نظر جلوگیری از تکرار جرم، این‌گونه استدلال می‌کنند: اول، این خوف وجود دارد که اعدام، بدون تحقق نقش پیشگیرانهٔ خود، موجب خشونت بیشتر و قتل‌های دیگری شود. باید اذعان کرد که در آن صورت، تصمیم باید بر سطح توسعهٔ آن جامعهٔ خاص

متکی باشد و اینکه آموزش برای کمک به ارتقای معنوی جوامع، ضروری است. دوم اینکه بعضی از بوداییان بدیل‌هایی را برای مجازات اعدام پیشنهاد می‌کنند؛ مانند تبعید به جزایری که به‌شکل زندان درآمده است. برخی پیشنهاد می‌کنند که این مجازات به‌مثابهٔ تهدیدی در کتاب‌های قانون گنجانده شود؛ اما حتی المقدور هیچ‌گاه به‌اجرا درنیاید. گروهی از بوداییان نیز این نکتهٔ متقن را مطرح می‌سازند که کل مفهوم عقوبت با تعلیم بودایی متا (شفقت) و کارونا (رحمت) تناقض دارد. بعضی بوداییان می‌گویند که اعدام را هرگز نمی‌توان تأیید کرد؛ زیرا هیچ‌چیز نمی‌تواند گرفتن جان را معذور دارد (همان، ص ۱۸۲-۱۸۳). بنابراین در مواردی که شخصی خلافی مرتکب شده که عقوبت آن اعدام است، اگر اعدام شود، برخلاف اصل اخلاقی اهیمنسا خواهد بود؛ و اگر اعدام نشود، باعث می‌شود که شخص جری شود و کار خودش را تکرار کند. در این زمان است که باید بودایی به این مسئله پاسخ دهد.

ج) تعارض قول و فعل

بوداییان می‌گویند که در این عصر و زمان، برخی از مسیحیان و مسلمانان می‌توانند دوستان حقیقتاً خوبی برای ما باشند؛ لکن در عمل، در جریان میانمار، آنان مسلمانان را تکه‌تکه کردند. این چگونه قابل جمع است؟ با اینکه بوداییان خواستار وحدت نوع بشر در زمین هستند و ملیت‌گرایی و نژادپرستی را آشکالی از حرص، تنفر و فریب می‌دانند، پس چرا چنین رفتار می‌کنند؟ دلایلی که می‌گویند: آنچه اهمیت اساسی دارد، رحمت، محبت به دیگران، دغدغهٔ آلام دیگران و کاهش خودپسندی است. احساس می‌کنم که اندیشهٔ رحمت، نفیس‌ترین چیزی است که وجود دارد؛ و آن چیزی است که تنها ما انسان‌ها می‌توانیم به‌وجود آوریم؛ و اگر قلب خوبی آکنده از گرمی و صمیمیت داشته باشیم، ما خود خوشحال و خشنود خواهیم بود و دوستان ما نیز محیطی دوستانه و مسالمت‌آمیز خواهند داشت. این شیوه را می‌توان در رابطهٔ ملت با ملت، کشور با کشور و قاره به قاره تجربه کرد (همان، ص ۱۸۹). با توجه به این مطالب، یک بودایی باید موضع خودش را در خصوص این تعارض روشن کند؛ علاوه بر اینکه معلمان اشراق‌یافته، درد و رنج دیگران را در مقابل دیدگان‌شان می‌بینند و به دیگران برای رهایی از کارمای سخت و سرنوشتی که به‌علت کنش‌های منفی گریبان‌گیرشان شده است، کمک می‌کنند (سوریا، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹).
باین حال، چگونه است که جان‌عده‌ای از مسلمانان را می‌گیرند؟

۳-۸ چالش کد اخلاقی اهیمنسا با یک کد اخلاقی دیگر

الف) تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با سقط جنین

سقط جنین به‌عنوان مسئلهٔ شایعی در کل جهان وجود دارد؛ چه قانونی و چه غیرقانونی. به‌اعتقاد بوداییان، هستی با بسته شدن نطفه آغاز می‌شود. بنابراین، سقط جنین مسلماً گرفتن یک زندگی است که باید از آن پرهیز کرد (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵). سقط جنین به‌عنوان مصداقی از صدمه زدن به حیات است و این کار مسئولیت‌سنگینی دارد (همان، ص ۱۵۰). تعارض در این است که اگر یک بودایی در کشوری ساکن باشد که سقط

جنین به صورت قانون درآمده باشد، در این صورت تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با قانون کشور ساکن به وجود خواهد آمد که باید دید راه حل یک بودایی برای این مسئله چیست.

ب) تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با خودش

در تعارض حفظ حیات جنین و آسیب رسیدن به مادر، کدام مقدم می شود؟ توضیح آنکه از منظر بوداییان، اصل این است که آسیبی به کسی وارد نشود. در هر صورت، مسئله ای که به وجود می آید این است که اگر خواسته باشیم به این اصل اخلاقی پایبند باشیم، لازمه اش این است که به مادر آسیب برسد، که در این مورد، آسیب در برابر آسیب است. باید دید یک بودایی در این زمان چه می کند و کدام را مقدم می شمارد.

۸-۲ راه حل چالش ها

۸-۲-۱ راه حل تعارض حفظ جان در مقابل تهدید جان

یک بودایی توصیه می کند که بکشید ضمن محافظت از تمام اعضای خانواده و بدون آنکه به دیگران صدمه ای وارد شود، آن مرد را خلع سلاح کنید. اگر لازم باشد که در ضمن عمل به او صدمه ای بزنید یا او را بکشید، به دو طریق می توان به این عمل نگریست: بوداییان تراوادا بر این عقیده اند که حتی با در نظر گرفتن نیت فرد، کشتن همیشه نادرست است و تبعات کارمایی بسیار وخیمی در این دنیا و در دنیای دیگر دارد؛ بوداییان ماهایانا می گویند که اگر انگیزه قتل، محافظت از دیگر موجودات مُدرک باشد و اگر این کار بدون هیچ گونه خودخواهی و با پذیرش همه تبعات بد کارمایی آن باشد، عمل نادرستی نیست و نمی تواند کارمای بدی را باعث شود (همان، ص ۱۹۶).

۸-۲-۲ راه حل تعارض اصل خودداری از صدمه زدن با جلوگیری از بارداری

بوداییان به انگیزه شخص برای استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری توجه می کنند. اگر این عمل برای سلامتی مادر یا برای رفاه فرزندان موجود یا حتی از سر دغدغه ای برای رشد جمعیت باشد، می توان آن را اقدامی مسئولانه تلقی کرد (همان، ص ۲۰۱)؛ وگرنه فرد گرفتار کرمه بد شده، چرخه توالد او تکرار خواهد شد. پس در این تعارض، ملاک، نیت شخص بودایی است و راه حل هم همان است.

۸-۲-۳ راه حل تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با کد اجتماعی (مرگ بی درد)

با عنایت به مطالب ذکر شده و با توجه به اینکه یک بودایی هیچ قانون مطلق را نمی پذیرد، در این صورت می توان به این نتیجه رسید که از منظر یک بودایی، در چالش بین مرگ بی درد که قانون یک کشور شده و اصل اخلاقی اهیمنسا که عدم آزار رساندن به دیگران است، چون قانون یک کشور لازم الاجراست و با متخلف برخورد خواهد شد و از سوی دیگر یک بودایی قانون مطلق ندارد، علی القاعده وی اصل اهیمنسا را کنار خواهد گذاشت و طبق قانون کشور عمل خواهد کرد. پس در این چالش، یک بودایی جانب مرگ بی درد را خواهد گرفت.

۸۲-۴ راهل تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با کد امنیتی (تعارض اعدام «قتل» با گرفتن جان)

در این مورد، علی‌القاعده یک بودایی چنین خواهد گفت: بستگی به نیت شخص خواهد داشت؛ اگر نیت او این است که از کشتن‌های دیگر جلوگیری کند، که دستور بوداست، در این صورت در راستای حفظ موجودات مُدرک، اگر با صدمه زدن به شخص خطا کار امکان ایجاد مانع نبود، در این شرایط می‌توان با نیت حفظ موجودات مُدرک آن شخص را به قتل رساند و با این وضعیت، کرمهٔ بدی را دربر نخواهد داشت. البته لازم به ذکر است که بوداییان تراواده اساساً با کشتن مخالف‌اند و می‌گویند: با هر نیتی قتل انجام شود، بازهم کرمهٔ بد را خواهد داشت. در نتیجه از دید بوداییان تراواده، این چالش بدون پاسخ خواهد ماند.

۸۲-۵ راهل تعارض قول و فعل

علی‌القاعده و از آنجاکه بوداییان قانون مطلقى ندارند. لذا هر جا که احساس خطر کنند و هر جا که در ترازوی منفعت و ضرر، جنبهٔ ضرر غالب شود، اصول خود را کنار گذاشته و خلاف آن را انجام خواهند داد. نمونهٔ بارز آن که در زمان معاصر اتفاق افتاد و چشم جهانیان با آن روبه‌رو شد کشتار مسلمانان میانمار بود که در آن بوداییان با زیر پا گذاشتن اصل اخلاقی خود یعنی عدم آزار رساندن به جانداران دست به کشتار انسان‌ها زدند و این کار خود را با توجیحات مختلف بیان کردند. لکن آنچه واضح است این است که بوداییان بدون توجه به اصل اخلاقی خود مبنی بر عدم آزار رساندن به دیگران و همچنین با نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی که حاکم بر جهان است با قتل انسان‌های دیگر این کرمهٔ بد را برای خود ساختند. لذا در این چالش هیچ پاسخی نخواهند داشت.

۸۲-۶ راهل تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با سقط جنین

طبق آیین بودا، از آنجاکه قوانین کشور ساکن، حاکم بر اصول اخلاقی آنان است، اگر یک بودایی در کشوری زندگی کند که سقط جنین قانونی است، اصل اخلاقی اهیمنسا کنار گذاشته می‌شود و جانب سقط جنین گرفته می‌شود؛ اما اگر سقط جنین در کشور ساکن قانون نشده باشد، اصل اهیمنسا مقدم است و سقط جنین دارای کرمهٔ بد خواهد بود.

۸۲-۷ راهل تعارض کد اخلاقی اهیمنسا با خودش

در خصوص تعارض حفظ حیات جنین و آسیب رسیدن به مادر، ممکن است شرایطی پیش آید که در آن، حیات یک رویان فدای زندگی مادر شود؛ که تنها مردم بسیار عاقل و رحیم می‌توانند تصمیمی قابل اتکا اخذ کنند. لازم است که هر مورد به‌تنهایی و با توجه به ماهیت آن، براساس نیتی که ورای عمل مردم وجود دارد، مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد. اگر خودکشی یا سقط جنین روشی برای اظهار یأس، تنفر یا خودخواهی باشد، در حکم عملی است که از آن تنها کارمای بد به‌وجود می‌آید؛ اما اگر ریشهٔ این عمل، رحمت نوع‌دوستانه نسبت به دیگران باشد، نمی‌توان آن را کاملاً نادرست تلقی کرد. برای گرفتن جان، یک مسئولیت کارمایی وجود دارد که با نیت خوب تعدیل می‌شود. بدین‌منظور، بوداییان دیدگاهی عمل‌گرایانه - یعنی بررسی هر مورد

به‌تنهایی و توجه به رهنمودهای کلی رفتار عاقلانه - اتخاذ می‌کنند و از تفکر در قالب مطلق‌های اخلاقی اجتناب می‌ورزند (منسکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶).

۹. جمع‌بندی کد اخلاقی اهی‌مسا

کد اخلاقی اهی‌مسا در منابع آیین بودا به‌صورت پراکنده در دستورات وجود دارد و می‌توان گفت به‌عنوان یک قاعده در آیین بودا مطرح است و از آنجا که طبق آیین بودا هیچ قانون مطلق وجود ندارد و از سوی دیگر طبق آیین، قوانین حاکم بر کشور بر قوانین آیین بودا حاکم است، می‌توان این‌گونه بیان کرد که آیین بودا یک آیین نسبی است که در هر کشوری با قوانین آن کشور همزیستی خواهد داشت و همانند خمیری است که شکل داده می‌شود. از این‌رو ممکن است در کشوری اصل اخلاقی اهی‌مسا در مورد مسئله‌ای به‌گونه‌ای باشد و همین مسئله در کشوری دیگر به‌گونه‌ای متفاوت باشد. همان‌طور که بیان شد، بزرگ‌ترین مزیت کد اخلاقی اهی‌مسا از منظر آیین بودا، گسترش صلح در جهان است. طبق این کد اخلاقی، یک انسان نباید باعث از بین رفتن جاننداری شود و همین خود باعث بسط صلح در جهان خواهد شد؛ اما سؤال اینجاست که آیا این محقق می‌شود یا خیر؟ با بررسی‌هایی که صورت گرفت، در مقام عمل پیروان آیین بودا با تعارضات مختلفی روبه‌رو هستند که در بیشتر مواقع کاری را انجام می‌دهند که در واقع نادیده گرفتن جان جاندار است و در برخی موارد اصلاً توجهی به این بعد ندارند و جاننداری را از بین می‌برند که نمونه بارز آن در عصر حاضر در میانمار اتفاق افتاد.

نتیجه‌گیری

کد اخلاقی اهی‌مسا یک نسخه اجرایی در آیین بوداست که جایگاه بالایی در این آیین دارد. شاید در نگاه اول، عمل به این کد اخلاقی راحت به‌نظر برسد؛ اما با اندک تأملی مشکلات آن نمایان می‌شود. در این مقاله با مراجعه به منابع آیین بودا به تبیین این کد اخلاقی و در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته شد. بنا بر سخنان بوداییان که خودشان را جلودار صلح در جهان می‌دانند، رعایت این کد اخلاقی فوق‌العاده مهم است و همین امر هم سبب گرایش برخی افراد به این دین شده است. می‌توان گفت، مهم‌ترین چالشی که این کد اخلاقی با آن مواجه است، بحث تعارض قول و فعل است که بیان شد و پیروان بودا پاسخی قانع‌کننده برای آن ندارند و بیشتر به‌دنبال منفعت خودشان هستند تا اجرای این کد اخلاقی. کد اخلاقی اهی‌مسا در آیین بودا، هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، دارای مشکلات مختلفی است که پیروان آیین بودا باید پاسخگو باشند.

منابع

- آرمسترانگ، کزن، ۱۳۸۷، *بودا*، ترجمه نسترن پاشایی، تهران، فراروان.
- پاشایی، عسگری، ۱۳۹۳، *چرخ و نیلوفر*، قم، ادیان.
- پانی‌پتی، نظام، ۱۳۶۰، *جوگ باسشت، در فلسفه و عرفان هند*، ترجمه سیدمحمدرضا جلالی نایینی و ن. س. شو کلا استاد دانشگاه دهلی، بی‌جا، شرکت افست سهامی عام.
- تاپار، رومیلا، ۱۳۸۷، *تاریخ هند*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، قم، ادیان.
- جلالی نایینی، سیدمحمدرضا، ۱۳۷۵، *هند در یک نگاه*، تهران، شیرازه.
- حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر، ۱۳۹۶، «تحلیل کد اخلاقی محبت در آیین کاتولیک»، *اخلاق پژوهی*، ش ۳، ص ۹۱-۱۱۰.
- الدنبرگ، هرمان، ۱۳۷۳، *فروغ خاور: زندگی، آیین و رهبانیت بودا*، ترجمه بدرالدین کتابی، چ سوم، تهران، اقبال.
- سادهاتیساه، ه.، ۱۳۸۶، *بودا و اندیشه‌های او*، ترجمه محمدتقی بهرامی حران، چ دوم، تهران، جامی.
- سوریا، داس، ۱۳۷۹، *بیداری بودای درون*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، مرداد.
- سوماناسیری، گالیله، ۱۳۸۳، *آموزه‌های بودا و کنفوسیوس*، ترجمه اکبر برخوردار، تهران، الهدی.
- شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- قرایی، فیاض، ۱۳۸۵، *ادیان هند*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- کریشنا، رادا، بی‌تا، *راه حق*، ترجمه رضا علوی، تهران، سروش.
- گواهی، عبدالرحیم، ۱۳۹۰، *فرهنگ توصیفی ادیان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منسکی، ورنر و دیگران، ۱۳۹۳، *اخلاق در تئوس دین جهان*، ترجمه محمدحسین وقار، چ سوم، تهران، اطلاعات.
- موحدیان عطار، علی و محمدعلی رستمیان، ۱۳۸۶، *درسنامه ادیان شرقی*، قم، کتاب طه.
- ناردو، دان، ۱۳۸۸، *هند باستان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
- نوری کوهبانی، مجتبی، ۱۳۹۹، «شرایط عامل اخلاقی از منظر امامیه و آیین کاتولیک»، *معرفت*، ش ۹، ص ۷۸-۶۷.
- هینلز، جان راسل، ۱۳۸۵، *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه ع پاشایی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- یاسپرس، کارل، ۱۳۶۴، *بودا*، ترجمه اسدالله مبشری، چ دوم، بی‌جا، نقره.

Humphreys, Christmas, 1987, *THE Wisdom of Buddhism*, London, Curzon Press.

Prebish, Charles S & Damien Keown, 2006, *Introducing Buddhism*, London, Routledge.

Saddhatissa, H., 1976, *The Life of the Buddha*, London, Unwin Paperbacks.

Snelling, John, 1991, *The Elements of Buddhism*, Massachusetts, Element.